



فرهنگ در کلام معمار انقلاب / فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو

همزمان با جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بازخوانی جایگاه فرهنگ در کلام و دیدگاه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حائز نکات قابل تأملی است.

همزمان با جشن‌های سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بازخوانی جایگاه فرهنگ در کلام و دیدگاه بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حائز نکات قابل تأملی است.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ - حسن شیخ حائری: بازخوانی اندیشه‌های امام راحل عظیم الشان (حشرنا الله معه) به عنوان معمار و بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران، امری است که بحمدالله تا کنون و به شکل نسبی، از آن غافل نبوده ایم، اما باید گفت نیاز است که در این عرصه، فعالیت دقیق‌تر و جامع‌تری صورت گیرد تا زمینه آشنایی هر چه بیشتر و عمیق‌تر همه حقیقت‌جویان بویژه نوجوانان و جوانان با اندیشه‌های ناب حضرت روح‌الله فراهم شود.

یکی از متون جامع بجا مانده از آن یار سفر کرده، متن وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان است که جست و جو در زمینه عرصه فرهنگ و کلید واژه "فرهنگ" در آن، ما را به شفافیت بیشتر در این زمینه رهنمون می‌سازد.

اکنون می‌توان گفت که این سرفصل به دو بخش قابل تفکیک است:

الف. فرصت‌های فرهنگی

یک. حضور زنان در صحنه

امام در اوایل وصیت‌نامه خود و در پاراگراف‌های متوالی که با تعبیر "ما مفتخریم" شروع می‌شود، می‌نویسند: "ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند."

بنابراین مشخص است که امام عزیز ما، نقش زنان را در همه عرصه‌ها و از جمله فرهنگ پررنگ می‌بینند و به نوعی از آنان می‌خواهند تا دوشادوش مردان، برای اسلام و قرآن بکوشند و مجاهدت نمایند.

دو. الگوبرداری از ائمه معصومین علیهم السلام

خمینی کبیر پس از آن که آغاز وصیت‌نامه سیاسی الهی خود را با حدیث متواتر ثقلین متبرک می‌سازد و با این آغاز نورانی، همگان را به تمسک به این دو حبل‌متین الهی فرا می‌خواند، اسلام و حکومت اسلامی را پدیده‌ای الهی و آن را مکتبی بر خلاف مکتب‌های غیر توحیدی برشمرده و می‌فرماید:

"اسلام مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی، دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته‌ی ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است."

حضرتش در ادامه وصایای جاودانه خود، با کمال جدّ و عجز از همه ملت‌های مسلمان می‌خواهند که از ائمه اطهار و فرهنگ‌این بزرگ راهنمایان عالم بشریت، به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند.

سه. ضرورت گسترش فرهنگ اسلامی در مراکز آموزشی

نگاه امام به این مقوله، هم نگاه فرصت و هم نگاه تهدید است؛ یعنی از یک طرف، گسترش فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح را در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی یادآور می‌شوند و از طرف دیگر، به کارگیری معلمان و استادان غرب زده یا شرق زده ی صددرصد مخالف اسلام را تهدیدی برای جامعه اسلامی بر می‌شمرند.

ب. تهدیدهای فرهنگی

یک. نقشه منحرف ساختن جوانان از فرهنگ و ارزش‌ها

همان گونه که در سرفصل فرصت‌های فرهنگی اشاره شد، حضرت روح‌الله علاوه بر آن که گسترش فرهنگ اسلامی در مراکز آموزشی را یک ضرورت می‌دانند، در بند "و" وصیت‌نامه خود نیز می‌فرمایند:

"و اما در دانشگاه، نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خود منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنان هرچه می‌خواهند انجام دهند."

دو. روی کار آمدن طاغوت

امام در بند "ج" وصیت‌نامه خود، چپاول فرهنگی را یکی از مشخصات بارز طاغوت بر شمرده و می‌فرماید: "حکومت‌های طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید؛ البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است."

این گونه است که باید گفت در اندیشه امام راحل، خود پدیده‌ی انقلاب اسلامی که با کنار گذاشتن طاغوت پهلوی همراه بود، بهترین کار و پدیده فرهنگی بود که البته زمینه را نیز برای گسترش فرهنگی اسلامی در جامعه مهیا ساخت.

سه. بیگانه کردن ملت ها از طریق سرکوب فرهنگ خودی در کنار نفوذ فرهنگی

این نکته - که اخیرا نیز در فضای پساجامی در کشور مورد توجه است -، سال ها پیش در وصایای امام خمینی(ره) نیز نمود دارد، آن جا که آن پیر جماران ما، در بند "ه" وصیت پرمغز خود می فرماید: «از جمله نقشه ها که مع الاسف تاثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است، به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از این دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند.»

باید گفت اگرچه امروزه در ظاهر، نظام دو قطبی در جهان فروپاشیده است، اما پدیده های نوینی مانند نظام چند قطبی یا تک - چند قطبی، همچنان پابرجاست و بر همین اساس، بیگانه سازی و نفوذ فرهنگی قدرت ها بر دیگران، همچنان در دستور کار است و خواهد بود.

چهار. رسانه ها و تهدیدات فرهنگی

امام در فرازهای پایانی وصیت نامه خود و در بند "م"، به بحث رسانه ها در این صد ساله اخیر و بویژه نیمه دوم آن اشاره کرده و می نویسد:

"... مجله ها با مقاله ها و عکس های افتضاح بار و اسف انگیز و روزنامه ها با مسابقات در مقالات ضد فرهنگی خویش و ضد اسلامی، با افتخار مردم بویژه طبقه جوان موثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می کردند..."

پنج. برخی مانع خدمات فرهنگی می شوند

خمینی کبیر در بند "ن" وصیت نامه سیاسی الهی خود، توصیه ای به احزاب و گروه های معاند دارند و از آنان می خواهند که با اسم خودمختاری و ...، مانع از خدمات فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری اسلامی در استان های مختلف نشوند. به بیان دیگر اگرچه امروزه، کمتر نامی از نیروهای معارض در کشور به چشم می خورد، اما برخی در پوشش تعابیر مختلف مانند استمرار در دلسرد کردن مردم، سرپوش گذاشتن بر ثمرات انقلاب شکوهمند اسلامی یا اغراق در کمبودها و کاستی ها، بستر را برای امید مردم به رفع مشکلات متعدد و از جمله مشکلات و مسائل حساس فرهنگی، ضیق می کنند.

کوتاه سخن آن که وصیت نامه امام راحل عظیم الشان همواره به عنوان یکی از اسناد مهم و همیشه جاوید، نورافشانی خواهد کرد و البته مناسباتی مانند دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی، فرصت مناسبی است تا با بازخوانی این اسناد راهبردی و وصایای جاودانه، فضا را بیش از پیش برای بهره گیری از آن ها در اقدامات و برنامه ریزی ها، بویژه اقدامات و برنامه ریزی های فرهنگی داخلی و بین الملل اسلامی آماده سازیم ان شاء الله.